

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیامک ستوده

۰۲ فبروری ۲۰۱۳

یادداشت های به ظاهر پراکنده در مورد انقلاب مصر

قسمت دوم

آنچه باعث شد اعتراضات نومبر سال گذشته به این سوی مصر علیه "مرسی" و قانون اساسی خود نوشته او و حامیان اسلامی اش به نیروی محرکه ای برای تداوم انقلاب مصر مبدل گردد، پشتوانه توده ئی آن، یعنی نیروی مردمی بود که وسعت آن جرات حمله ور شدن به آن توسط دولت "مرسی" و قلع و قمع خونین آن به دست نیروهای ارتجاعی را نمی داد. چیزی که در انقلاب ۵۷ ایران رخ نداد و در نتیجه با به قدرت رسیدن دولت اسلامی انقلاب نتوانست به راه خود ادامه دهد. آیا انقلاب مصر که خلاف انتظار همه توانست در این مسیر پیشتر برود، قادر به سرانجام رساندن این وظیفه خواهد بود؟ آیا توده مردمی که اکنون ۷ روز است در خیابانها علیه سرکوبگر نبردهای جانانه ای را از سر می گذرانند، قادر به سرنگونی رژیم "مرسی" و وارد کردن انقلاب مصر به مرحله دوم آن خواهند بود؟ هیچ کس نمی داند. با اینحال، تا همین جا بزرگترین دستاورد مردم مصر پس از برکناری "حسنی مبارک" این بوده است که هنوز انقلاب تسلیم ضد انقلاب نشده است. در نتیجه، تداوم انقلاب مصر تاکنون، مرهون دخالت توده مردم بوده است، همانطور که پیشروی بیشتر آن نیز به دخالت گری هر چه بیشتر مردم وابسته خواهد بود. این قانون انقلاب است که هر چه رادیکال تر می شود، بیشتر به اعماق جامعه نفوذ می نماید، و اقشار بیشتری را به میدان مبارزه می کشاند.

اینکه آیا سازش و توافق لیبرال های خائن و سازشکار جبهه نجات ملی با "مرسی"، سلفی ها و ارتش بر سر تشکیل حکومت آشتی ملی قادر خواهد بود کمر جنبش انقلابی مردم مصر را در هم بشکند یا نه، هنوز معلوم نیست. ولی بیشک این امر، مردم انقلابی مصر را در بوته آزمایشی سخت تر از گذشته قرار خواهد داد. این اتحاد اگر به واقعیت بپیوندد - که دلایل بسیاری برای آن وجود دارد - مگر این که پیشروی سریع غلیان انقلابی فرصتی به تحقق یافتن آن ندهد - وسیعترین اتحاد دار و دسته های بورژوازی مصر در برابر طبقه کارگر و اقشار انقلابی مردم را به نمایش خواهد گذارد. اتحادی که در آن هارترین نیروهای سرمایه، از ارتش مصر، سلفی ها و اخوان المسلمین گرفته تا جریانات لیبرال و ناسیونالیست درون جبهه نجات ملی، همگی شمشیرهای از نیام بیرون کشیده خود را برای قلع و قمع نهائی بخش انقلابی مصر آماده نگاه داشته اند. "یونس محنون" رهبر حزب سلفی النور به دنبال دعوت جبهه نجات ملی به تشکیل دولت آشتی ملی به همراه خود و "مرسی"، حتی در را بر روی عناصری از رژیم گذشته که متهم به ارتکاب

جرمی نشده اند نیز برای پیوستن به این اتحاد باز گذارد. واقعیت هم همواره همین بوده است. وسعت دایره اتحاد و یکی شدن فراکسیون های رنگارنگ بورژوائی همیشه خبر از فوریت و وسعت بلای انقلاب و خطر از دست دادن کامل کنترل برای آنها را می داده است. وقتی که کل بورژوازی با اسم رمز محکوم کردن خشونت با ترس و لرز به در کوبیدن انقلاب را جار می زند در واقع، با اینکار خود همه نیروهای ضد انقلاب را برای قصابی انقلاب فرا می خواند. در مصر، اینروزها، انقلاب به طور جدی و بی صبرانه برای در هم شکستن دولت سرمایه به در می کوبند.

در هر انقلاب، شکاف در جنبش همگانی، بیش از هر چیز نشان پیشروی انقلاب است. نشان این که برای بخش ناپیگیر آن که از به میدان آمدن توده مردم به هراس افتاده است، توقف انقلاب به امری ضروری تر از خود انقلاب تبدیل شده است. این چیز است که در حال حاضر در مصر در حال رخ دادن است. این که جدائی بخش سازشکار جنبش به وسعت آن دامن خواهد زد، و یا با کشیدن بخشی از مردم به دنبال خود منجر به شکست آن خواهد شد، بستگی به چند چیز دارد. این که (۱ - رادیکال ترین بخش جامعه (طبقه کارگر) تا چه حد در انقلاب حضور دارد، و (۲ - به چه میزان به منافع مستقل طبقاتی خود آگاه است، و (۳ - تا چه درجه می تواند به دلایل سازمانی و رهبری جای خالی لیبرال ها را پر نموده، خود را به رهبر جنبش تبدیل نماید. در یک کلام تا چه حد به منافع خویش خود آگاهی دارد، و این خود آگاهی تا چه حد در حزب و سازمان رهبری کننده آن انعکاس بیرونی یافته است. هر قدم پیشروی انقلاب، در عین حال که شرایط را جهت ورود طبقه کارگر برای ایفای نقش تاریخی اش بیشتر آماده می کند، به همان اندازه نیز این امر را برای پیشروی بیشتر انقلاب ضروری تر می سازد.